سرقتی دیگر از مونش

تهران‌امروز: ادوارد مونش همچنان جذاب‌ترین هنرمند برای سارقان است. هفته گذشته مشخص شد که تابلوی دیگری از این هنرمند به سرقت رفته است تا تعداد تابلوهای ربوده شده از این نقاش نروژی در طول دو هفته گذشته به دو تابلو برسد. معروف‌ترین سرقتی که از آثار این هنرمند شد به پنج سال قبل و زمانی بازمی‌گردد که دو تابلوی معروف او با نام‌های «جیغ»و«مدونا» از موزه مونش در اسلو ربوده شدند. هر چند آن تابلوها بعد از حدود دوسال پیدا شدند اما سرقت از آثار این هنرمند همچنان ادامه دارد. هر چند آخرین خبر سرقت از آثار مونش هفته گذشته اعلام شد اما گویا این سرقت حدود پنج ماه پیش اتفاق افتاده و به یکی از آثار لیتوگراف او مربوط می‌شود که ۲۷۰ هزار پوند قیمت‌گذاری شده است. این تابلو «جدایی ۲» نام دارد و به شیوه چاپ دستی خلق شده است. مونش از جمله پیشگامان نقاشی اکسپرسیونیستی است که آثارش شهرتی جهانی دارند.

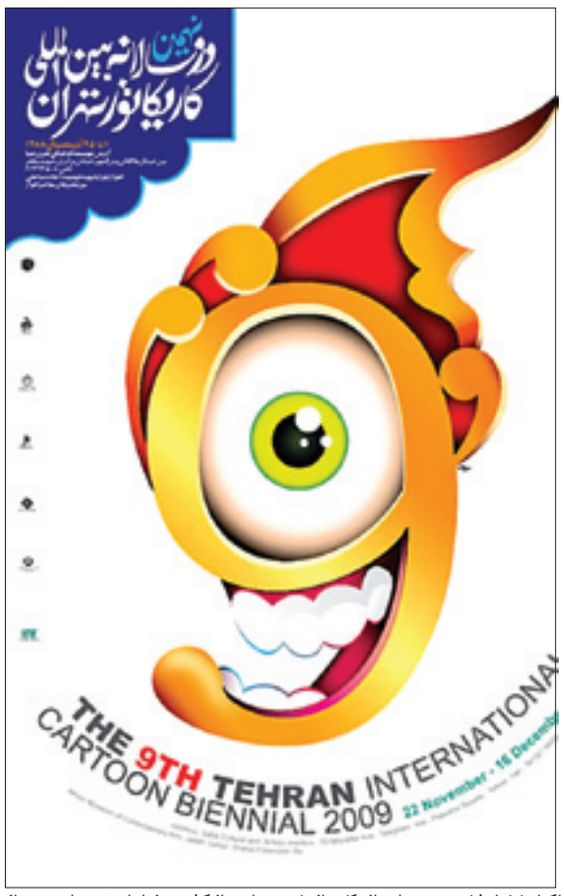

یکی از کاریکاتورهای شرکت‌کننده در نهمین دوسالانه کاریکاتور تهران که چهره باراک اوباما را نشان می‌دهد، این اثر کاری از مارسیو لیچه از کشور برزیل است. در این دوره از دوسالانه کاریکاتور هنرمندان خارجی حضوری حتی پر رنگ‌تر از ایرانی‌ها دارد

گزارشی از حاشیه‌های نهمین دوسالانه کاریکاتور تهران

لبخند تلخ کارتونیست‌ها

مریم رضایی
تهران امروز

گرافیست‌ها و کاریکاتوریست‌ها تنها هنرمندانی بودند که در چند سال اخیر همیشه با بیشترین انسجام و همکاری به برپایی رویدادهای هنری و فعالیت‌های صنفی خودشان می‌پرداختند.
از همان زمانی که موضوع آغاز به کار انجمن‌های هنری در فضای فرهنگی کشور مطرح شد، اعضای این دو رشته هنری به جای آنکه مانند دیگر هنرمندان در مقابل هم قرار بگیرند و چند دسته شوند، کاملا در کنار هم بودند و به کار می‌پرداختند به همین دلیل دوسالانه‌های کاریکاتور و گرافیک همیشه جزو بهترین دوسالانه‌های هنری کشور محسوب می‌شدند و برنامه‌هایی در حد و اندازه یک دوسالانه حقیقتا بین‌المللی برگزار می‌کردند اما گویا حالا دو دستگی به جامعه این هنرمندان نیز راه یافته است.

این روزها که دوسالانه پوستر و کاریکاتور برگزار شده، شاهد آن هستیم که دیگر نمی‌توان به آن یکپارچگی و یکدستی بین هنرمندان این دو رشته هنری دل خوش بود.
دوسالانه پوستر تهران آبان ماه به کار خود پایان داد آن هم در حالی که انجمن هنرمندان گرافیک ایران به دلیل برآورده نشدن خواسته‌هایش در این دوسالانه حضور پیدا نکردند.
حالا نوبت به نهمین دوسالانه کاریکاتور تهران رسیده است؛ دوسالانه‌ای که به‌عنوان یکی از پنج دوسالانه مطرح کاریکاتور جهان شناخته می‌شود و توانسته با تلاش‌های دو دهه گذشته هنرمندان ایرانی این رشته به رویداد هنری مطرحی در عرصه کاریکاتور تبدیل شود اما این بار جای بسیاری از هنرمندانی که در طول سال‌های گذشته برای برگزاری این اتفاق هنری زحمت کشیدند و تلاش کردند خالی است البته ناگفته نماند که باز هم آماری که از سوی مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد ارائه می‌شود حکایت از آن دارد که این دوره از دوسالانه از نظر وزنی، سنگین‌تر از دوره‌های قبل است اما آیا حقیقتا این دوره از دوسالانه توانسته همان جایگاه پیشین خود را در میان هنرمندان ایرانی که صاحبان اصلی آن هستند حفظ کند؟ اگر به همان آماری که از سوی مرکز هنرهای تجسمی اعلام شده، نگاهی بیندازیم متوجه می‌شویم که با وجود افزایش کشورهای شرکت کننده در دوسالانه (که البته بعضی از آنها از کشورهایی هستند که تا پیش از این اصلا معلوم نبود کاریکاتوریست دارند یا خیر) تعداد هنرمندان داخلی شرکت کننده در این رویداد نسبت به دوره‌های قبل کاهش داشته است.
با سیاست‌هایی که در طول چهار سال گذشته در مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد در پیش گرفته شد، هنرمندان آرام آرام از مرکز که بنا بود پشتیبان و حامی آنها باشد فاصله گرفتند
هر چند متولیان دولتی عرصه فرهنگ، این غیبت را کاملا بی‌تاثیر در فعالیت خود می‌دانند اما تاثیر آن در نخستین نگاه به چشم همان مهمانان خارجی می‌آید که این متولیان به حضور آنها در کشور ما مفتخر هستند.
دوسالانه‌های کاریکاتور و گرافیک، رویدادهای خلق‌الساعه‌ای نیستند که هیچ تاریخ و پیشینه‌ای نداشته باشند. این دو اتفاق هنری از سال‌ها پیش برگزار شده‌اند و به همین دلیل نه تنها هنرمندان داخلی، بلکه هنرمندان و انجمن‌های بین‌المللی نیز با آنها آشنایی کاملی دارند.
«جواد علیزاده» یکی از کارتونیست‌هایی که در دوره‌های گذشته دوسالانه کاریکاتور عمدتا به‌عنوان داور و عضو هیات انتخاب حضور داشته با اشاره به حضور نداشتن گروهی از کاریکاتوریست‌ها در این دوره، می‌گوید: «قطعا هیچ کدام از ما مشکلی با دوسالانه و برگزارکنندگان آن نداریم، زیرا خودمان چراغ آن را در این سال‌ها روشن نگه داشته‌ایم.»
او می‌گوید: «ماهیت کاریکاتور بر کمدی است و همین موضوع آن را از گرافیک جدا می‌کند پس چه بهتر بود اگر مدیران این دوسالانه با پیشنهاد تعویق زمان موافقت می‌کردند و کمی دیرتر چنین رویدادی را رقم می‌زدند تا هم به مردم و هنرمندان احترام بگذارند و هم این اتفاق را در تاریخ دوسالانه‌ها به نیکی ثبت کنند، در حالی که آنها بیش از حد اصرار بر برگزاری دوسالانه در تاریخ مقرر خود داشتند و همین کار را هم کردند البته جای خوشحالی دارد که دیگرانی، امروز در این دوسالانه جای ما هستند.»
پیش از برگزاری این دوره از دوسالانه و برای بررسی امکان تعویق زمان آن، خانه کاریکاتور به مدیریت شجاعی طباطبایی که دبیری دوسالانه را هم برعهده دارد، نشست مشترکی برگزار کرد. به گفته طباطبایی «در این نشست برخی پیشنهاد تاخیر در برگزاری دوسالانه را دادند و یک نفر هم تاکید بر عدم برگزاری آن داشت، اما نهایتا به این نتیجه رسیدیم که دوسالانه کاریکاتور یک اتفاق کاملا هنری است و ارتباطی با مسائل سیاسی ندارد، به همین دلیل در تاریخ مقرر خود برگزار می‌شود.»
اما دولتی شدن دوسالانه‌ها نیز این روزها یکی دیگر از دغدغه‌های هنرمندان محسوب می‌شود. با وجود اینکه سال‌های پیش صحبت از برگزاری دوسالانه‌ها زیر نظر انجمن‌ها بود اما با آمدن شالویی به مرکز هنرهای تجسمی، این بحث نیز منتفی شد.
او البته تاکید دارد که دفتر هنرهای تجسمی از همکاری انجمن‌ها استقبال می‌کند و منتظر پیشنهادهای آنهاست. علیزاده نیز بار دیگر با بررسی این موضوع می‌گوید: «به‌عنوان یک کارتونیست که سال‌ها در این دوسالانه‌ها داوری کرده‌ام و همیشه دوست داشته‌ام ایران به‌عنوان پایگاه کاریکاتور دنیا شناخته شود، احساس می‌کنم که کاریکاتور بیش از اندازه دولتی و در عین حال جشنواره‌زده شده است.»
او معتقد است بهترین نماد پیشرفت کاریکاتور «مطبوعات» است، زیرا کاریکاتور در اساس هنری ژورنالیستی است و مسائل انتقادی را با دیدی طنزآلود طرح می‌کند و به همین شکل بر مخاطب خود نیز تاثیر می‌گذارد در حالی که امروزه جای خالی کاریکاتور در مطبوعات به شدت احساس می‌شود و در چنین شرایطی هر روز یک جشنواره در حال برگزاری است.
«بهمن عبدی» یکی از اعضای هیات انتخاب این دوره از دوسالانه کاریکاتور درباره مقایسه غیبت هنرمندان مطرح داخلی از دوسالانه‌های کاریکاتور و گرافیک، معتقد است: «غیبت هنرمندان در دوسالانه کاریکاتور و پوستر نباید به یک چشم دیده شود زیرا کارتونیست‌های ایرانی در جست وجوی این نبودند که این دوسالانه از نفس بیفتد، بلکه هدف آنها بالاتر از این بود و با اقدامی که انجام دادند به نوعی به این خواسته دست یافتند.
در واقع در عین حال که صدای اعتراضشان را به گوش همه رساندند، اما دودش هم به چشم کسی نرفت به همین دلیل هم باید به خواسته آنها احترام گذاشت و اجازه داد تا عقایدشان را بیان کنند. چه بسا که بسیاری از این افراد از چهره‌های معتبر و شناخته شده کاریکاتور هستند و سال‌ها برای ارتقای این هنر زحمت کشیده‌اند.»
او در عین حال به‌عنوان یکی از اعضای انتخاب کننده آثار این دوره می‌گوید: «استقبال خوب و تعداد آثار زیاد بود و همچون دوره‌های گذشته در میان آثار چهره‌های شناخته شده بین‌المللی و داخلی به چشم می‌خورد. به‌طوری که جا برای عرضه و نمایش همه این آثار نبود. پس چه خوب که چنین اتفاقی تحت‌الشعاع چیزی قرار نگیرد و به جریان معمول خود ادامه دهد.»
دوسالانه بین‌المللی کاریکاتور با دبیری سیدمسعود شجاعی طباطبایی از روز یک شنبه، اول آذر ماه با آثار هنرمندان ۹۱ کشور و با نمایش ۷۵۰ اثر از میان هزار و ۱۸۰ هنرمند و چهار هزار و ۲۳۸ اثر به صورت همزمان در موسسه فرهنگی- هنری صبای تهران و موزه هنرهای معاصر اهواز در حالی برگزار می‌شود که با توجه به حضور پرتعداد کاریکاتوریست‌هایی از ترکیه، چین و برزیل، سه نفر از داوران بین‌المللی از این سه کشور انتخاب می‌شوند. این آماری است که «بهرام ارجمندنیا» یکی دیگر از اعضای هیات انتخاب آثار بر آن تاکید دارد و معتقد است که رکورد دنیا با این آمار شکسته شده است.
به گفته او، دوسالانه «آیدین دوگان» در ترکیه با حضور ۹۰ کشور و با وجود برگزاری در یک بخش، تنها کشوری است که به لحاظ آماری به ما نزدیک است، در حالی که دوسالانه کاریکاتور تهران در چهار بخش متفاوت همچون بخش‌های موضوعی و آزاد، کمیک استریپ و... برگزار می‌شود.
او می‌گوید: «تعداد آثار در قیاس با سال‌های قبل بیشتر بود و اگر ظرفیت سالن‌ها بیشتر بود، قطعا آثار بیشتری هم برای نمایش انتخاب می‌شد. ارجمندنیا در عین حال معتقد است که در این دوسالانه با حجم قابل توجهی از چهره‌های جدید روبه‌رو هستیم که کارهایشان حاکی از پیشرفت کاریکاتور ایران است و این اتفاق در بخش بین‌المللی هم دیده می‌شود.
او البته با اشاره به حضور نداشتن تعدادی از کارتونیست‌های مطرح داخلی و با احترام به ایده این افراد و می‌گوید: «با احترام به نظر آنها که و نیامدند، اما این حرکت فرهنگی نباید قربانی شود و مسائل حاشیه‌ای نباید اصل موضوع را زیر سوال ببرد چراکه دوسالانه یک اتفاق نمادین ملی و بین‌المللی است.»
در این میان مدیر خانه کاریکاتور نیز معتقد است: «دوسالانه کاریکاتور ماحصل زحمات هنرمندان کاریکاتوریست است چراکه این دوسالانه هنرمندان ایرانی را در معرض یک اتفاق هنری و جهانی قرار می‌دهد. این کاریکاتوریست‌ها نیز سرمایه‌های کشور هستند و ما ترجیح دادیم به نظر این افراد احترام بگذاریم و وارد حاشیه‌ها نشویم، زیرا می‌خواهیم ثمره این ۱۸ سال تلاش را همچنان حفظ کنیم.»

نگاهی به انتخاب بهترین عکس حیات وحش سال ۲۰۰۹

عکاسی از حیات وحش فقط خوش‌شانسی است؟

ترجمه: نیل شهاب‌زاده
منبع: تلگراف

ساده تصور کردن هنر عکاسی بخشی از افسون آن است. آن صدای بیش از حد مغرور در ذهن شما می‌گوید: «اگر فقط آنجا بودم، من هم می‌توانستم شاتر را فشار دهم.» به لحاظ فنی مسلما عکسی که امسال به عنوان عکس اول حیات وحش انتخاب شده عالی به نظر می‌رسد، اما این خوش‌شانسی عکاس است که آنجا بوده، این‌طور نیست؟ و احتمالا یک دوربین درجه یک هم داشته، لعنت به این شانس.
چیزی بیشتر از این عکاسان را آزار نمی‌دهد که بدانند وقتی کسی به یکی از عکس‌هایشان نگاه می‌کند، لبخند می‌زند و به آنها می‌گوید که چقدر وقتی این عکس را گرفته‌اند خوش‌شانس بوده‌اند. اما با وجود دوربین‌های مدرن که به صورت خودکار قابلیت انجام بیشتر پروسه‌های عکاسی را دارند، خلاص شدن از شر این شبهه دشوار است که عکاسی رو به آسان‌تر شدن پیش می‌رود.
وقتی به دارن هکتور که یک عکاس حیات‌وحش است، می‌گویم با وجود اینکه عکس برنده جایزه عکاسی حیات‌وحش امسال خیره‌کننده است، اما آسان نیست خود را از این شبهه برهانیم که عکاس آن، یک کم خوش‌شانس بوده، او در جواب می‌خندد. دارن می‌گوید: «پدرم هم یکبار درباره یکی از عکس‌هایم همین را گفت. بدون اینکه به مهارت عکاسی در نوردهی درست و مدت زمانی پی برده باشد که در انتظار سگ‌تازی سپری کردم تا آنچه را که می‌خواستم انجام دهد و من بتوانم از آن عکس بگیرم. او صرفا فکر می‌کرد که خوش‌شانس بوده‌ام.»
دارن توضیح می‌دهد آموختن عکاسی از حیات‌وحش به همان اندازه که به تکنیک عکاسی مربوط می‌شود به درک گونه‌هایی مربوط است که سعی در ثبت آنها دارید. وقتی در نوردهی تبحر یافتید و دانستید که دوربین‌تان چگونه کار می‌کند تازه در موقعیت آغاز کار هستید؛ آغاز صرف ساعت‌های متمادی برای به وجود آوردن شرایطی که این امکان را به شما بدهد تا در زمان مناسب، در مکان مناسب باشید. جمی الیور بهترین انواع قابلمه‌ها و تابه‌ها را دارد ولی آنها به خودی خود غذای او را خوشمزه نمی‌کنند.

خوزه لوئیس رودریگو، عکاس اسپانیایی که عکس یک گرگ از عکس‌هایش بین ۴۳ هزار و ۱۳۵ عکس شرکت کننده در مسابقه به عنوان عکس اول انتخاب شده بود، چندین سال برای گرفتن این عکس مقدمه‌سازی کرد و روی کاغذ ایده روشنی از عکسی را که درنظر داشت طراحی کرده بود.
سپس یک تله عکاسی با یک حسگر حرکتی و یک حصار مادون قرمز برای ثبت ایده‌اش کار گذاشت. دارن می‌گوید چنین درجه‌ای از دوراندیشی ضروری است و بیشتر عکاسان درست قبل از اینکه عکاسی را آغاز کنند، ایده‌هایی از عکسی دارند که در جست و جوی آن هستند.
یکی از شب‌های کریسمس، دارن فرصت افراط در جشن را از دست داد، بنابراین توانست قبل از طلوع آفتاب سرحال از خواب برخیزد و به سمت جایی رانندگی کند که می‌دانست سارها به آشیانه رفته‌اند. کسی دقیقا نمی‌داند چرا سارها به این طریق خاص به آشیانه می‌روند ولی با تحقیقات دقیق و گذراندن زمان بسیار در محل، یک عکاس می‌تواند از فرصت‌هایی حداکثر استفاده را ببرد که آنها برای ثبت الگوهای پرواز فوق‌العاده‌شان می‌سازند. زمانی که دارن می‌خواست این عکس را بگیرد، سه سال تمام را صرف عکاسی از سارها کرده بود. پس از آن یک کارشناس محلی آنلاین پیدا کرد که این محل خاص را بیشتر غروب‌ها می‌دید و با او در تماس بود تا نظر او را در مورد بهترین مکان‌ها برای پیداکردن سارها و الگوهای رفتاری آنها بپرسد. او دوربین را در تاریکی نصب می‌کند و منتظر می‌شود. آخرین اثر معرکه است.
به این ترتیب، این شما هستید که شانس خود را، این‌طور که آنها می‌گویند، می‌سازید و در آن هنگام باید آنقدر به دوربین‌تان مسلط باشید تا آن فرصت بسیار کوتاه را با فوت کردن در آسمان یا آشفتن پرندگان از دست ندهید. بدون شک دوربین‌های قوی به عکاسان کمک می‌کنند، اما آیا این خوش‌شانسی است؟ همانطور که دارن می‌گوید، «این بیشتر به تلاشی برای حل کردن یک معما می‌ماند.»

روزنامه تلگراف در یکی از آخرین شماره‌های خود با بررسی عکس‌های برگزیده حیات وحش در سال ۲۰۰۹ به این موضوع پرداخته است که آیا ثبت عکسی زیبا در این حوزه فقط خوش‌شانسی است یا خیر؟

به مناسبت برگزاری اکسپو رودکی

هر کسی از ظن خود...

هدی امین
تهران امروز

بحث فروش آثار هنری، اختصاصا به معنی فروش تابلوهای نقاشی، مجسمه، عکس و... در چند سال اخیر آنقدر مطرح شده است که بسیار بیشتر از آنکه به مرور تبدیل به امری جدی و حتی حیاتی در عرصه هنر تجسمی شود، ظاهرا به شکل دستاویزی برای پر کردن رزومه ارگان‌ها و سازمان‌ها درآمده است. چندسالی است در کشوری همسایه به وسعت یکی از کوچک‌ترین شهرهای مملکت ما، شعبه‌ای از مهم‌ترین شرکت‌های حراج آثار هنری جهان تاسیس شده است و - اگر از بحث افزایش شناخت جهان غرب نسبت به هنر منطقه بگذریم- در هر دوره میزان قابل توجهی به اعتبار مالی کشورشان افزوده می‌شود و در این میان، اشیایی که روزی در خلوت یک هنرمند و بر اساس مئونیات درونی او پدید آمده است، تبدیل به کالایی با ارزش اقتصادی قابل توجه می‌شود و در نتیجه نگاه کشورهای بسیار دیگری را به آن منطقه معطوف می‌کند. در مورد شعبه‌ای از حراجی کریستی صحبت می‌کنیم که روزی قرار بود نهالش در خاک حاصلخیز کشور ما کاشته شود که به دلیل تعلل‌ها و بی‌توجهی‌ها و ساده‌انگاری‌ها به سرزمینی انتقال یافت که از جهت پیشینه هنری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... هیچ مناسبتی با مملکتی چون مملکت ما ندارد. اما گویا بعد از اینکه این فرصت استثنایی - مثل بسیاری فرصت‌های دیگر- از دست رفت، مسئولان فرهنگی - هنری مملکت‌مان به فکر چاره افتادند، اگرچه به صورتی که هیچ مناسبتی با استانداردهای جهانی در چنین مواردی ندارد. هر چقدر بخش خصوصی در این میان تلاش کرد در حد بضاعت خود با برگزاری نمایشگاه‌های مختص فروش آثار - همچون فروش بزرگ هفت نگاه که در دو دوره به موفقیت قابل توجهی در فروش دست پیدا کرده بود- تا حدی جبرانی برای چنین کمبودی باشد، بخش دولتی به برگزاری برنامه‌هایی توجه نشان داد که کمترین تحقیق و پژوهشی در باب چگونگی انجام آن و کمترین تلاشی حتی در الگوبرداری از نمونه‌های استاندارد جهانی آن نیز نشده بود.
گویا در این میان تنها افزایش تعداد برنامه‌های به ظاهر فرهنگی کفایت می‌کند؛ جشنواره‌ها و شبه جشنواره (!)های جدید با نام‌های مختلف - هرچند ماهیتی یکسان- هر روز و هر روز مثل قارچ از جدول برنامه‌های فرهنگی- هنری دولت سر بیرون می‌آورند که از اساس مشخص نیست بنا به چه هدفی و بر اساس کدام نیاز و با چه برنامه‌ای، پایه‌ریزی می‌شوند.
در این میان گویا مسابقه‌ای در کار است؛ هر نهادی سعی می‌کند گوی سبقت را با برگزاری جشنواره و مسابقه‌ای دیگر با نامی مثلا متفاوت‌تر برگزار کند تا بلکه رزومه قوی‌تری برای خود دست و پا کند. این بحث البته تنها به جشنواره‌ها و مسابقات محدود نمی‌شود.

همانطور که در آغاز این مطلب اشاره شد، موضوع تاسیس شعبه حراجی‌های هنری معتبر دنیا در کشور همسایه، بخش دولتی را متوجه برگزاری اکسپوهای هنری کرد. بعد از برگزاری ناموفق نخستین اکسپو و باز پس فرستادن آثار خریداری شده، سال گذشته اکسپو دیگری در حوزه عکاسی در موسسه فرهنگی- هنری صبا برگزار شد که انتقادات گسترده‌ای را در پی داشت. حالا پس از گذشت تقریبا یک سال، بنیاد رودکی قصد برگزاری اکسپویی دیگر دارد. بنابر گفته‌های مدیر عامل بنیاد، در این اکسپو قرار است، آثاری که از اکسپوی سال گذشته و قبل از آن توسط بنیاد رودکی خریداری شده بود، به فروش برسد و به دنبال آن چنین اقدامی را کمک به اقتصاد هنر ارزیابی کرده‌اند. حالا باید کمی صبر کرد و اظهار نظر کارشناسان فن را در این باره شنید که آیا چنین نمونه‌ای در دنیا وجود داشته است که یک سازمان اموال هنری خود را به فروش برساند و بر آن نام اکسپو بگذارد؟ «بهمن جلالی» در جریان انتقادات سال گذشته خود به اکسپو عکس که عکاسان به شکلی فردی در کنار نگارخانه‌داران شرکت کرده بودند، اکسپو را برنامه‌ای خواند که در آن نگارخانه‌داران آثار هنری خود را در معرض فروش می‌گذارند. گویا به رغم انتقادات جلالی ما همچنان باید از صفر شروع کنیم و تعریفی تازه از اکسپو ارائه دهیم.
در پایان تنها به تکرار گفته‌های جلالی در جریان اکسپو عکس سال گذشته بسنده می‌شود: «نمی‌توان جریانی را که بیش از ۷۰ سال پیش در دنیا اتفاق افتاده و ادامه یافته، ما از صفر شروع کنیم. برگزاری حراج آثار هنری یا اکسپو فرمول خاص خود را دارد که اگر می‌خواهیم برای نخستین بار چنین تجربه‌ای را در ایران داشته باشیم، باید از تجربه دیگر کشورها استفاده کنیم.»

نگاه

تجسمی

دنیای سوررئالیست‌ها

ترجمه: پریسا رشیدی
منبع: فیگارو

مرکز پمپیدو ۴۰۰ اثر از عکس‌های سوررئالیست‌ها را با ایجاد چشم‌اندازی بی‌نظیر، در خود جای داده است. گلچینی از بهترین کارهای من ری، هنس بلمر، کلود گئون، رائول ئوبک، ژک آندره بوآفر، موریس تبر در کنار عکس‌های چاپ نشده، عکس‌های منتشر شده در مجله‌ها یا کتاب‌های هنری، تبلیغات و مجموعه‌های تصویری در کنار هم قرار گرفته‌اند. مجموعه‌ای از کارهای کلاژ هنرمندانی همچون پل الوآر، آندره برتن، انتونن ارتو یا ژرژ ئونیه همراه با بازی‌های عکسی لئو ملمه و ویکتور برآونر به نمایش درآمده‌اند و چهره‌هایی از جمله ارتور هرفو یا بن ژمن فوندن بررسی شده‌اند. پس از گذشت ۲۰ سال از نمایشگاه «آشوبگران ماندگار» روزالیند کراس و ژن لوینگستون، این‌بار «واژگونی تصاویر» می‌خواهد روش استفاده سوررئالیست‌ها از عکاسی تصاویر، متحرک به نمایش بگذارد. در واقع تفکر اصلی جنبش سوررئالیست‌ها در عکاسی از بیان شفاف و سرراست نشات گرفته است. در کنار این عکس‌ها تعدادی فیلم بلند و فیلم کوتاه از سوررئالیست‌های هنرمندی از جمله لوئیس بونوئل، من ری یا ژرمن دولاک هم به نمایش گذاشته می‌شود.

چنگک خرچنگ

ژان پن‌لوه (۱۹۰۲-۱۹۸۹) کارگردان، بازیگر، مترجم، سازنده فیلم‌های کارتونی، منتقد و نظریه‌پرداز فرانسوی این عکس را در سال ۱۹۲۹ گرفته است. او در دانشگاه رشته‌های مختلف تحصیلی‌ای را نیمه کاره رها کرد. مدتی پزشکی و بیولوژی خواند و به آزمایشگاه کالبدشکافی و تاریخ‌شناسی تطبیقی سوربن وارد شد. «پره‌ور» و «بوآفر» او را وارد جنبش سوررئالیست‌ها کردند. پن لوه همانطور که گیوم آپولینر در سال ۱۹۰۹ اعلام کرده بوده عقیده داشت: «سینما، خالق زندگی فراواقعی (Swrreal) است.» کلمان شرو، مسئول نمایشگاه می‌گوید: «هدف نمایشگاه نشان دادن اهمیت تصویرهای ثابت یا متحرک برای سوررئالیست‌هاست و اینکه چگونه تصویر و سینما در کنار یکدیگر روحی واژگونه را در بازنمایی می‌دمند و شکاف و انقلابی دیداری به‌وجود می‌آورند.»

مژه‌های بریده

مژه‌های بریده شده، عکسی از مجموعه «واژگونی تصاویر» ۱۹۲۹-۱۹۳۰ از پل نوژه شاعر و فیلسوف و نظریه‌پرداز بلژیکی است. یکی از تاثیرگذارترین اعضای مکتب سوررئالیسم در بلژیک بود و با اینکه به داشتن شهرت و هویت ادبی دلبستگی نداشت به نقد کارهای سوررئالیست‌های پاریسی می‌پرداخت. او رها از محدودیت‌های مدرنیسم و فرمالیسم و به دور از جدل‌های سیاسی، ارائه‌کننده هنری است که از میان قدرت دگرگونی زبان برمی‌خیزد. نوژه در دوره‌ای ۳۰ ساله رساله‌هایی نوشته که نام تعدادی از آنها در پایین می‌آید: سخنرانی شارل شاه (۱۹۲۹) تاریخ بدون خنده (۱۹۵۶) یادداشت‌هایی درباره شطرنج (۱۹۶۹)، برگه‌های شفاف (۱۹۷۲) و مجموعه شعری به نام «تجربه ادامه» دارد (۱۹۶۶). کلمان شرو می‌گوید: «عنوان نمایشگاه، خود نمایانگر وجود آثار هنرمندانی از جمله پل نوژه است که در اواخر دهه ۱۹۲۰، عکس‌هایی گرفته‌اند تا تصاویری کنجکاوی‌برانگیز یا دیوانه‌وار را به نمایش بگذارد تا اسلوب نمایش‌های سنتی را دگرگون کند.»

نقاب پونویی

تبر (۱۸۹۷-۱۹۸۴) پس از مهاجرت خانواده از فرانسه در موسسه عکاسی نیویورک به تحصیل مشغول شد. در دهه ۱۹۲۰ به فرانسه بازگشت و تجربه‌های خود را با استفاده از نور آفتاب و ظاهر کردن پرتره‌های سوررئالیستی و طبیعت بیجان در پیش گرفت. او از سال ۱۹۲۸-۱۹۳۸ به کارهای تبلیغاتی، مد و عکاسی از چهره پرداخت. بیشتر کارهای او در جنگ جهانی دوم ناپدید شدند. در ۱۹۶۵ بازنشسته شد و در سال ۱۹۸۰ به نیس رفت. رساله‌ای برای فیلمی درباره فرهنگ «ودوو» (مذهبی که از قلمرو دامومی - غرب آفریقا- می‌آید و بیشتر در بنین و توگو رواج داشته) نوشته است. کلمان شرو می‌افزاید: «سوررئالیست‌ها، اشیایی را گردهم می‌آورند که هیچ‌وجه اشتراکی با هم نداشتند. آنها افکار، روح، رویا و ناخودآگاهشان را در راهی نامشخص هدایت می‌کردند. آنها مفهوم را جست‌وجو می‌کردند.»

دیوار نگاره‌ها

فرهنگ

گشت در گالری‌ها

این هفته اگر قصد گشت‌وگذاری در گالری‌های تهران داشته باشید، می‌توانید به چند نمایشگاهی که به‌تازگی برپا شده سری بزنید. اول اینکه از ابتدای آذر، دوسالانه کاریکاتور در مجموعه فرهنگی هنری صبا آغاز شده است و علاقه‌مندان به این دوسالانه می‌توانند با مراجعه به این مجموعه از نزدیک شاهد آن باشند که تحریم‌ها و کناره‌گیری‌ها چه تاثیری بر این دوسالانه داشت. غیر از رویدادهای دولتی، چند نمایشگاه دیگر نیز این روزها برگزار شده است که دیدن آنها خالی از لطف نیست. یکی از آنها نمایشگاهی در یادبود مرتضی ممیز است. این نمایشگاه که در خانه هنرمندان برپاست به نمایش پوسترها و عکس‌هایی از این هنرمند اختصاص دارد و عنوان «چاقو در آب» برای آن انتخاب شده. این نمایشگاه تا روز ششم آذر ادامه خواهد داشت و به مناسبت چهارمین سالگرد درگذشت این گرافیست برگزار شده است. اما اگر شما طالب خرید آثار هنری هستید می‌توانید سری به برج آزادی بزنید که اولین اکسپوی بنیاد رودکی در آن برپا شده است. البته این نمایشگاه شباهت چندانی به اکسپوهای مرسوم این سال‌ها ندارد و این طور نیست که گروهی از هنرمندان یا گالری‌دارها تصمیم به فروش آثار هنری گرفته باشند. این نمایشگاه که بنیاد رودکی بانی آن است به فروش آثاری اختصاص دارد که در این بنیاد وجود دارند. در واقع مسئولان این مرکز هنری تصمیم گرفته‌اند آثار خود را به فروش برسانند. دلیلی هم که برای این تصمیم عنوان می‌کنند، دلیل جالبی است. مسئولان بنیاد عنوان کرده‌اند قصد دارند با فروش این آثار، بودجه لازم برای خرید آثار دیگر را فراهم کنند!!